

محل تامین هزینه های جنبش سبز

امیرفیض- حقوقدان

چهارشنبه ۲۳ جون ۲۰۱۰

دوم تیرماه ۲۵۴۹

در تحریر قبل به استناد اظهارات نخست وزیر و رییس جمهوری اسرائیل و شخصیت های دیگر نشان داده شد که حاکمیت جنبش سبز با اسرائیل است و آنچه که در مسیر جنبش سبز میگذرد برای اسرائیل می باشد و بقیه مسایل.

اکنون به این موضوع میرویم که هزینه های جنبش سبز چگونه و از ناحیه چه کسی تامین می شود؟
ظاهراً، از آنجا که جنبش سبز، مال اسرائیل است، باید هزینه های آنهم از سوی همان کشور تامین شود، ولی اینطور نیست و هزینه های جنبش سبز از سوی آمریکا تامین می گردد. این واقعیت که در همین تحریر دلایل آنرا ملاحظه خواهید کرد، این سوال را مطرح می کند که چگونه ممکن است که حاکمیت جنبش از آن اسرائیل باشد ولی هزینه های آنرا کشور دیگری متقبل گردد؟

پاسخ این پرسش را می توان در این تشبیه آورد.

تشبیه در رابطه با موضوع:

میدانید که در دوران قاجاریه، گروهی در ایران وجود داشتند که آنها را عیاران و جوانمردان می گفتند که شعارشان، مردانگی، کمک به افتادگان و امثال آنها بود. این گروه کم کم در تحولات اجتماعی و زمان با انحرافات روبه رو شد. یکی از آن انحرافات داشتن «**نوجیه**» بود که ابتدا پهلوانان به آن توجه پیدا کردند تا هرکس که میخواست با آنها کشتی بگیرد ابتدا با **نوجیه** او درگیر شود. ولی بعد ها «**نوجیه**» هم یک سبز انحرافی پیدا کرد و پهلوانان ظاهری با داشتن یک جوان کم سن و سال و حمایت از او نوعی رابطه غیر اخلاقی و انسانی بین آن دو بوجود می آمد.

بواسطه این رابطه بود که هیچکس را جرأت نبود به آن نوجیه (مردم نام جلف تری به آن ربط می دادند) «نه» بگویند، هرچه نوجیه میخواست، باید برایش فراهم میشد والا شکایت پیش اربابش (پهلوان ظاهری) میبرد و اربابش پدر طرف را در می آورد. اربابش که خود از طریق باجگیری زندگی می کرد، مقداری از درآمدش را برای تامین رضایت «نوجیه» اش می پرداخت. نوجیه با سینه سپر کرده هرکاری که دلش میخواست بدون ترس و وحشت از کلانتر ها مرتکب می شد.

پهلوان برای موفقیت نوجیه و رفع تعرض از او تن به خفت و خواری هم میداد تا نوجیه اش ناراضی نشود. این خفت تا جایی میرفت که اگر نوجیه هوس ناموس زن و دختر پهلوان را هم میکرد، چشم پهلوان نمی دید و گوشش هم صدای مردم را نمی شنید.

رابطه آمریکا و اسرائیل و برعکس آن دقیقاً همان رابطه نوجیه و پهلوان است، هرکاری که اسرائیل دلش بخواهد می کند. چرا که آمریکا یعنی پهلوان حامی اوست، از کلانتر پاک ندارد (سازمان ملل متحد) چون پهلوان آنجاست و تو می کنی. (جریان حمله به کشتی های حامل کمک های انسانی به غزه و وتو آمریکا)

به جریان نفت کردستان عراق به کشورش نیاز دارد (اسرائیل) آمریکا را به جنگ عراق می کشاند بدون اینکه کسی متوجه درخواست نوجیه آمریکا باشد. و آن پهلوان (آمریکا) هم تمامی اتهام جنگ را می پذیرد و جوان هایش را به کشتن می دهد و اقتصاد کشورش دگرگون می گردد که نوجیه نازنینش به خواسته ای که داشته برسد. به سند این مهم توجه فرمایید.

به شهادت مهم این شاهد توجه فرمایید:

آقای «اوی دیجر» وزیر امنیت داخلی کشور اسرائیل در گفتگو با روزنامه «جروزالم پست» فاش کرد و گفت: «در عراق بیش از آنچه که ما تصور می کردیم نصیب ما گردید، ما در جهت منزوی کردن و نابود کردن آن کشور از هیچ اقدامی فروگذار نکردیم تا جریان نفت کردستان عراق همچنان به سوی اسرائیل روان گردید» (جروزالم پست)

مسئله ایران، مشکلات آژانس اتمی با ایران، محاصره های اقتصادی و تحریم ها و بالاخره همین داستان جنبش سبز، همه و همه از خواست های «نوجه آمریکا» ست که آمریکا خودرا به حَـجَل و گرفتار و سوء ظن جهانی انداخته است.

همین تمثیلی را که آورده شد «آریل شارون» نخست وزیر قبلی اسرائیل که اکنون در مرگ مغزی افتاده است در عبارت سیاسی و پرمعناي زیر تایید کرده است: «هروقت ما کاری می کنیم شما به من می گوئید آمریکا اینطور می خواهد، میخواید اینطوری باشد یا آنطوری، من میخوام خیلی صریح بشما بگویم از بابت فشار آمریکا به اسرائیل نگران نباشید ما یهودیان آمریکا را کنترل می کنیم و آمریکا این را میداند» (آریل شارون سوم اکتبر سال ۲۰۰۱)

به این شاهد هم توجه فرمایید:

پروفسور استیون والت، استاد دانشگاه هاروارد در کتاب خود بنام «لایبی اسرائیل» نوشته است: «تقریباً هیچ سیاستمداری در آمریکا که قصد انتخاب به یک سمت سیاسی را دارد برخلاف منافع اسرائیل و برخلاف مواضع لابی هواداران کشور اسرائیل صحبت نخواهد کرد چون این کار باعث حذف او از سیستم سیاسی آمریکا می شود. آمریکا در همه موارد بدون قید و شرط از اسرائیل حمایت می کند. حتی اگر این کار برخلاف منافع ملی آمریکا باشد. (ششم نوامبر ۲۰۰۷ - نقل از بی بی سی)

شهادت این شاهد که کتابش در آمریکا موجب دردسر شدید او شد، دقیقاً در رابطه آمریکا و اسرائیل و برعکس را منطبق با همان تمثیلی که عرض شد نشان می دهد.

برداشت از دلایل و شواهد:

- ۱- سرمایه گذاری و کمک مادی و حمایتی آمریکا از جنبش سبز فصلی ثابت شده است زیرا که چنین قانونی تصویب کنگره آمریکا را دارد. بنابراین راییه دلیل برای اثبات مسئله کاری بی قواره و اضافی است.
- ۲- سرمایه گذاری مادی آمریکا در جنبش سبز به نیابت و برای پیشبرد خواست های اسرائیل و ناشی از علاقه آمریکا به اسرائیل می باشد و این علاقه در حدی است که حالت اطاعت کور کورانه بخودگرفته است و بوضعی در آمده که آمریکا را در مقام نوجه اسرائیل نمودار میسازد.

توجیه اسرائیل:

بجاست که بنیم اسرائیل روابط و حاکمیت خودش را بر آمریکا چگونه توصیف می کند.

اسرائیل مدعی است که گهواره دین مسیح است و اگر این گهواره شکسته شود، جوامع مذهبی و دینی اروپا و آمریکا مضمحل خواهد شد و به این اعتبار است که کشور های اروپایی و آمریکا باید اسرائیل را همانقدر حمایت و کمک کنند که به کشور خودشان می کنند و درنهایت می گویند، این اسرائیل نیست که از آنها می خواهد که به او کمک کنند بلکه این آمریکا و اروپاست که التماس می کنند که بما کمک کنند. با ما ارتباط دایم سیاسی و نظامی داشته باشند.

ناگفته پیداست که این استدلال بسیار پوک و خالی از محل است زیرا اسرائیل ۶۰ سال است که بوسیله انگلستان بوجود آمده درحالیکه دین یهود و مسیح بیش از ۲۰۰۰ سال قبل از اسرائیل وجود داشته است و اساساً ارتباط دین و بوجود آمدن آن با ایجاد کشور ها غیر ممکن است زیرا که مبنای بوجود آمدن دین با پیدایش کشور ها بکلی متفاوت است.

جان کلام در اظهارات سناتور مک کین است:

سناتور مک کین کانديد رياست جمهورى رقيب باراك اوباما گفتارى دارد كه بسيار با معنى و در واقع جان كلام است و مى گويد: «ما نمى توانيم رفتار جمهورى اسلامى را با مخالفان نادیده بگیریم و باید از آنها حمایت کنیم. دولت آمریکا هرگز تا زمانی که درخواست حمایت نشده مداخله ای نخواهد کرد اما وقتى مخالفان شعار های خودشان را به زبان انگلیسى میدهند كه «اوباما با آنها هستى يا با ما» اين نشانه علامتى است كه از مادرخواست دارند»

مک کین گفت: «وقتى مخالفان، شعار های خودشان را به زبان انگلیسى مى نویسند و مى پرسند» كه «اوباما با ماى يا با اونها» اين نشانه بسيار خوبى است كه ما هم بیشتر بتوانيم از آنها حمايت كنيم ما بايد اهداف آنها را اهداف خودمان بدانيم»

سناتور «مک کین» حرف بسيار درستی زده است. شعار اوباما با ماى يا با اونها» نشانه علامتى است كه شعار دهندگان به نمايندگى از تظاهرات (حداقل و حداكثر مردم ايران) از آمریکا درخواست كمك کرده و مى کنند. كمك هم بناپرقاعده استوار، قبول و يا رد آن و كيفيت كمك و عوض آن با كمك دهنده است نه كمك گیرنده.

خاتم مريم صادقى عضو (توانا) در شوراي دموكراسى در آمريكا گفت: «شعار باراك حسين اوباما با ماى يا با اونا» فرصت خوبى براى آمريكا براى حمايت از ناراضيان ايران بود.»

يعنى فرصت مناسبى براى دخالت آمريكا در امور ايران بشمار مى رفت. زيرا حمايت، بدون مداخله در امورکشور ديگر ممكن نيست و اين همان است كه «سناتور مك كين» آنرا چنين بيان كرد.
«ما مطمئن هستيم كه حمايت هاى ما از ناراضيان سبب خواهد شد كه آنچه مطلوب ماست جامه عمل بخودگيرد.

من براين باورم كه اين معترضان خواهند بود كه سرانجام تغييراتى را كه ما در سياست هاى ايران منتظر آن هستيم انجام خواهند داد.» (بى بى سى ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰)

بدترین و نکبت بار ترین شعار ها:

اعتقاد راسخ دارم كه بدترین، زشت ترین شعار ها همین شعار «اوباما با ماى يا با اونا» است قبح اين شعار و آثار خطرناك و اتهام سنگينى كه در اين شعار نهفته است، بركى پوشيده نيست، اين شعار دعوت به مداخله آمريكا در امور كشور است، دعوت به اسارت گرفتن مردم است، علامت بى شرافتى و نشانه اى از عدم درك قبح و حسن و خيانت به كشور و ملت است، علامت دعوت آمريكا و قبول بردگى ايرانيان است. انسان جادارد به سرخود بكويد كه چه كسانى از تمسك به اين شعار توهين آميز به ملت ايران احساس سربلندى مى كنند.

به اين تفاوت نگاه كنيد و بخود آييم:

فرق است بين كشورى كه به قصد منافع خوددر امور كشور ديگرى با نيرنگ و يا زوردخالت مى كندو به نا آرامى هاى آن كشور كمك مى كند، با جريانى كه با درخواست دخالت از جانب مردم كشور طالب كمك جريان ميابد.

فرق اين دو آن است كه در اولى يعنى بدون درخواست مردم، دخالت كشور خارجى جنبه زور گويى و تجاوز علنى به حق حاكميت ملت است و در دومى خير، يعنى نخست بايد ثابت شود كه درخواست كنندگان كمك و دخالت ازطرف مردم كشور نمايندگى اين فضولى هارا نداشته اند سپس مسئله محكوميت كشور مداخله كننده مطرح شود.
و همانطور كه ميدانيد تا بخواهند به اين مسائل پرداخته شود كار از كار گذشته و كشور مداخله كننده چنان دامنه نفوذ و دخالتش را توسعه و فراگير ساخته و ميهن پرستان را سركوب کرده كه مسئله اى كه ابا جاى طرح پيدا نمى كند همین مسئله دعوت از بيگانگان براى مداخله در امور كشور زير عنوان حمايت و كمك است.